

یادداشت

همبستگی ملی

دوگانه مذاکره-مقاومت اساسا موضوعیتی ندارد، تفرقه‌افکنانه است و برای بی‌حیثیت‌کردن رقیب انتخاباتی و برای التیام روانی ناشی از شکست‌های جناحی به کار رفته است. این حربه شسماری از جوانان پاکدل را نیز به قربانیان روانی جماعتی «سیاسی‌کار» در ایران تبدیل کرده است. با فرض اینکه دشمن از مذاکره برای فریب استفاده کرده است، بایستی دید که ما و شما چه می‌توانستیم بکنیم و نکردیم؟ آنگاه قضاوت کنید که اشتباه کرده‌اید یا نه؟ اگر می‌توانید باید بزنید، اگر نمی‌توانید باید مقاومت کنید، باید زمان بخیرید و باید صبر و پایداری کنید. حتی هم‌اکنون نیز اگر مسئولان نظام راه مذاکره را باز بگذارند، باید حمایت کرد.

۳- در بحران اخیر همه چیز بستگی به آستانه حساسیت دارد. طولانی‌شدن جنگ برای هر دو طرف واجد آستانه حساسیت است. برای ایران این آستانه بستگی به مقاومت مدنی، پایداری زیرساختی، همبستگی ملی و توان پاسخ‌گویی موشکی در بازه زمانی حداقل سه‌ماهه خواهد داشت. برای متجاوزان اما آستانه حساسیت قیمت نفت و جریان تجارت جهانی است. برای اسرائیل کارایی ضربات علیه ایران در درازمدت معنی‌دار است، اما به طریقی متناقض‌نما در همان درازمدت با افزایش قیمت نفت دچار فرسایش می‌شود. هر کشوری که آستانه حساسیت را از سر بگذراند، می‌تواند امیدوار باشد که از بحران جان سالم به در می‌برد. گاه طولانی‌شدن جنگ می‌تواند به نفع کشور ضعیف‌تر باشد و نه به نفع کشورهای قدرتمندتر. مهم این است که بتوانید با ضرباتی مداوم (و نه ضرورتا در بازه زمانی کوتاه) از زمان به نفع افزایش قیمت نفت و فرسایش دشمن بهره‌برداری کنید. جنگ طولانی برای اقتصاد بین‌الملل بی‌ثباتی را در پی دارد. آنگاه که سیاست‌مداری خود نقطه مطلوبیت نهایی بگذرد، پیامد مثبتی برای اسرائیل و آمریکا ندارد. چنان‌که پیش از این در مقالات «تخریب سریع» گفته‌ام، سربازی تخریب همه‌جانبه و سریع در گرو جنگ کوتاه‌مدت است و بازدارندگی در صورتی محقق می‌شود که ظرفیتی برای طولانی‌شدن جنگ وجود داشته باشد. این ظرفیت در گرو تعداد و تأثیر موشک هاست؛ اما طولانی‌شدن نیز برای کشور ضعیف «نقطه مطلوبیت نهایی دارد»؛ چون احتمال اجماع عملیاتی قدرت‌های بزرگ، حمله به مناطق غیرنظامی (غزه‌سازی ایران) و حتی با توجه به ماهیت جنون‌آمیز اسرائیل و آمریکا کاربرد سلاح اتمی را در پی دارد. در چنین صورتی آیا بازاندیشی در دکترین امنیت هسته‌ای، خروج از NPT و تمرکز بر دریای سرخ گزینه‌های موجود برای جمهوری اسلامی خواهد بود؟

هرچند حمایت برخی کشورهای غربی از اسرائیل نمادی از نژادپرستی فرهنگی آنان است، اما تمرکز بر اسرائیل باید در اولویت نظامی باشد و از تسری آن به کشورهای دیگر، به ویژه اعراب، پرهیز شود. اسرائیل به‌شدت راغب است جنگ خود با ایران را نه‌تنها جنگی بین‌المللی بلکه جنگی عربی-ایرانی به شمار آورد.

اگرچه وجه تمایز انسان از دیگر موجودات، تنها خرد و عقل و برتری ادراکی او است، اما همین خرد، عقل و برتری ادراکی، برای دو مقصد و دو منظور ناهمگون می‌تواند به کار گرفته شود؛ یعنی سعادت یا شقاوت. براساس این، دو راه پیش‌روی بشر است؛ راه اخلاق‌مداری یا راه اخلاق‌ستیزی. همه دستاوردهای معرفتی انسان نیز در گستره اجتماعی براساس رابطه و نسبت او با اخلاق و اخلاقیات معنا می‌شوند و تجلی می‌یابد؛ حتی عبادت و آثار آن.

اگر انسان، اخلاقی ببیندیشد و نیز همه ذهنیات خود را اخلاقی‌مدارانه عینیت بخشد، تا اعلی علّیین مراتب والایی و تعالی، می‌یابد و فرا می‌رود و اگر با اخلاق به ستیز برخیزد، به اسفل اسفالقین حیوانیت فرو می‌غلند، تا آنجا که هیچ حیوانی را در وحشیگری نمی‌توان با او هم‌پهلو دانست. چنین موجودی، گوی درندگی و خون‌خواری از همه درندگان و سبعان خواهد ریود.

پایگاه و جایگاه اخلاق در زیست انسانی آن چنان است که حتی اگر کسی گاهی به اختیار یا به فریب‌خوردن، از کرانگی اخلاقیات پا برون نهد، در ذهن و فکر خویش آن کار را پسندیده و شایسته نمی‌داند و حتی بی‌اخلاق‌ترین انسان‌ها نیز نمی‌خواهند به‌عنوان انسانی بی‌اخلاق شهره و معروف شوند؛ مگر استثنائاتی. از این‌رو است که همه زورگویان، تعدی‌گران و خون‌ریزان گذشته و امروز سعی در ساختن چهره‌ای اخلاقی از خود دارند و اوج زدالت و فریندگی‌شان آنجاست که سعی در ایدئولوژیک‌کردن و وجهت‌بخشی به هنجارشکنی‌های اخلاقی یا اخلاق‌ستیزی‌های خود دارند. این کار در گذشته نیز انجام می‌گرفت، اما امروزه در قالب‌های گوناگون رسانه‌ای، ارتباطی، زبانی و روان‌شناختی، در پی فریب انسان و تسخیر توجه، اختیار، ذهن و حقوق او است. یکی از دشمنان اخلاق که آن را در چهارمیخ اسارت به بند می‌کشد، منافع شخصی یا گروهی است؛ زیرا هنگام کسب منفعت، گاهی احساس و هیجانات انسان یا حتی مطامع او برانگیخته می‌شود و اگر اینها سرکوب یا کنترل نشوند، آتش به اخلاق و اخلاقیات می‌افکنند. در جنگ نیز بنا بر اقتضات ذاتی آن، این ویژگی هیجانی و احساسی و قدرت‌طلبانه منفعت‌خواهی تا چند برابر افزون می‌شود و رعایت اخلاقیات را دشوار اما ارزش اخلاقی‌مداری‌ها را نیز برجسته‌تر و تحسین‌برانگیزتر می‌کند. از آن‌رو است که در طول تاریخ، بی‌اخلاقی‌ها در جنگ، نمود و بروز بیشتری داشته‌اند و اخلاق‌مداری‌های طرفین جنگ‌ها نیز بیشتر به چشم آمده‌اند. اگر بتوان یک مجموعه نظری و عملی را به‌عنوان اخلاق جنگ در نظر گرفت و آن را شاخه‌ای از اخلاق هنجاری و کاربردی دانست، این مجموعه از

پیچیدن بوی تعفن یک قاعده در فضای ایران



علی نامجو

گذشته‌های دور تاکنون دارای بنیادهای فکری و اصول خاص خود است که از اندیشه‌ای به اندیشه دیگر ممکن است دگرگون باشد، اما بنیاد و روح آن که آسیب‌نرساندن به غیرنظامیان و کاهش تلفات و آسیب‌های جنگی است، بین تفکرات گوناگون یکسان است؛ هرچند میزان تعلیق و پایبندی به آن متفاوت باشد. بسیاری از نیکنامان و صلح‌طلبان یا دفاع‌کنندگان تاریخ نیز براساس رفتارشان در جنگ ارزایی و سنجیده شده‌اند و همین‌طور بدنامان و تجاوزگران.

در دنیای امروز که قوانین گوناگونی ظاهرا بر عرصه بین‌المللی حاکم است تا آسیب‌های جنگی را کم کند یا حتی از بروز جنگ جلوگیری کند، باز آنچه در واقعیت می‌بینیم، دیگرگونه از آن قوانین است و گویی این قوانین قدرت اجرا و اعمال ندارند. اینجا دوباره پای اخلاق به میان می‌آید و اهمیتی که انسان امروز و جهان امروز باید برای آن قائل باشد. انسان‌ها باید با نگاهی دقیق و زیرکانه همه سیاست‌مداران، حاکمان و فرماندهان را زیر نظر بگیرند تا آنانی که دنیایی پر از صلح و امنیت را برای بشر نمی‌خواهند، شناخته و از عرصه محبوبیت و مقبولیت کنار گذاشته شوند. ننگ است برای انسان امروز که ظالمی یا خون‌ریزی را نشناسد و به پیروی از او برخیزد یا حتی در مقابل او سکوت کند. یکی از هنجارشکن‌ترین و اخلاق‌ستیزترین نیروهای نظامی دنیای امروز ما رژیم صهیونیستی است که چون یک عفونت جهانی، صلح دنیای امروز را بیمار کرده است. سکوت و رفتار هم‌پیمانانش نیز همیای رفتار خود او، خشم‌برانگیز و ناپذیرفتنی است. این رژیم به سرکردگی نتانیاهو، پس از کشتن هزاران کودک بی‌گناه که ننگ آن بر پیشانی صهیونیسم جهانی و مدعیان حقوق بشر خواهد ماند، پس از ویران‌کردن خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس در غزه، پس از کشتن چندین خبرنگار بی‌گناه، در بامداد جمعه پا در مهلکه‌ای نهاده که نه‌تنها بیش از همه اشتباهات گذشته‌اش او را هلاک خواهد کرد، چهره او را نیز منفورتر از گذشته کرد. رژیم صهیونیستی در طول جنگ با غزه از بمباران و کشتار اماکن و مردم غیرنظامی باز نایستاد و همواره در کوشش برای توجیه این جنایات و یافشاری بر آنها بوده است و این اعمال شنیع را از آثار حقیقی و ضمانیات

ایجاد صلح می‌خواند.

ساده‌لوحانه است اگر باور کنیم که نتانیاهو در جنگ با غزه هیچ راهی برای کاستن از تعداد تلفات و نکشتن کودکان و بمباران نکردن اماکن درمانی و آموزشی نداشته است. ساده‌لوحانه است اگر بپذیریم که این کودک‌کشی‌ها و این تخریبگری‌ها صرفا برای ایجاد صلح است و ایجاد صلح هیچ راهی جز این بیراهه خون‌بار انسان‌سوز و انسانیّت‌کداز ندارد. امروز دیگر نمی‌توان به وجود یک قاعده و یک تفکر برتری نژادی در سینه و ذهن صهیونیست‌ها شک کرد.

رفتارهای این رژیم هیچ توجیهی جز باور آنها به برتری نژادی ندارد. بماند به یادگار برای آنان، استثنائاتی که می‌پندارند توهمات سلطنت‌طلبانه ظاهرا ملی خود را می‌توانند به یاری دستان شوم صهیونیستی تحقق بخشند.

آری، کودک‌کشی، غیرنظامی‌کشی و تعدی‌گری، «قاعده جنگ» یا «قاعده حیات» صهیونیستی است؛ قاعده‌ای که بوی تعفن آن این بار نه‌فقط در غزه بلکه در فضای ایران نیز پیچید.

افزون بر جرم تعدی به حریم ایران و به شهادت رساندن سرداران و نخبگان، کشتن کودکان بی‌دفاع و بی‌گناه که در خواب آرمیده بودند، به منغورشدن بیش‌ازپیش این رژیم و سرکردگان آن نزد ایرانیان انجامید و باطن‌خنده‌های صهیونیستی را نیز برای برخی از هم‌وطنان ما و نیز مردم جهان آشکارتر کرد. باطنی که پیوسته نتانیاهو با فریب‌کاری اما نقاب از چهره نتانیاهو این بار در کوچه و خیابان‌های ایران به زمین افتاد.

اشتهای محاسباتی نتانیاهو و دوستانش این بار دیگر محدود به اشتباهات محاسباتی نظامی نیست؛ او در کلیت امر به دام خطا افتاده است و در آن خواهد شکست. افزون بر صفت‌بستن ملت ایران در صفوف همبستگی و میهن‌خواهی و مقابل دست‌درازی دشمنان امروزین ایران، نتانیاهو نمی‌دانست ملتی که هزاره‌های دین‌ورزی و دنیا‌افروزی را در تاریخ خود دارد و از هر آتش حیل‌ه و تجاوزی، سیاست‌شانه، جهیده، روبیده و بالیده است. آن‌هم به سربلندی و جاودانگی، نه‌تنها از هیچ آتشی نمی‌هراسد، بلکه آمال و مطامع دشمنان خود را به آتش می‌کشد. او نمی‌دانست ملتی که آرمان عدل علوی و سوگ حسینی را در سینه دارد، با آنکه دنیای پر از صلح را آرزو می‌کند، پای از هیچ میدانی پس نمی‌کشد و سنگ‌اندازی هیچ دشمنی به سرزمین خویش را برنمی‌تابد و همواره بر دشمن می‌خروشد و او را می‌خراشد. او نمی‌دانست، اما خواهد فهمید... و تا هست چنین است و تا باد چنین باد.

کمبود زیرساخت و اطلاع‌رسانی کافی، هرچند رفع این موارد دشوار نیست، اما نیازمند تلاش‌های مستمر و مؤثر است؛ از جمله بهبود زیرساخت‌های گردشگری و حمل‌ونقل بین شهری و سرمایه‌گذاری در استراتژی‌های تبلیغاتی و روابط عمومی در سطح بین‌المللی برای جذب گردشگران بالقوه. این موارد می‌تواند از طریق شرکت در نمایشگاه‌های گردشگری بین‌المللی یا همکاری با اینفلوئنسرهای مطرح جهانی برای معرفی ایران تحقق یابد.

چشم‌انداز روابط ایران و تایلند

در پایان این گفت‌وگو، از سفیر تایلند خواستیم دیدگاه خود را درباره وضعیت کنونی روابط دو کشور و افق پیش‌رو بیان کنند. ایشان اظهار کردند: «همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، روابط دوستانه میان ایران و تایلند بیش از ۴۰۰ سال قدمت دارد. مردم دو کشور دارای میراث فرهنگی عمیقی هستند که در غذا، موسیقی و زبان بازتاب یافته و نشانه‌هایی از تبادلات فرهنگی در تاریخ نیز دیده می‌شود. در سطح روابط دیپلماتیک، دو کشور در سال ۱۹۵۵ روابط رسمی برقرار کردند و امسال هفتادمین سالگرد این مناسبات را گرامی می‌داریم؛ یکی از قدیمی‌ترین روابط میان ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا».

روابط مردمی یکی از ارکان اصلی این دوستی دیرینه است و باید همواره تقویت شود؛ چراکه آشنایی بیشتر میان مردم دو کشور منجر به درک متقابل و احترام متقابل می‌شود. خوشبختانه دانشجویان متعددی از تایلند با دریافت بورسیه از دولت ایران در این کشور مشغول به تحصیل هستند و در مقابل، هزاران ایرانی سالانه برای گردشگری یا تجارت به تایلند سفر می‌کنند.»

زمانی که رئیس‌جمهور ایران، جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، در ماه‌های آغازین دوران ریاست‌جمهوری خود از توسعه روابط با کشورهای دوست سخن گفتند، یقین داشتیم که ایران و تایلند در جایگاه مناسبی برای تحقق این هدف قرار دارند؛ چراکه همواره یکدیگر را دوست می‌دانیم و به این نگاه وفادار بوده‌ایم. امسال که سالگرد ۷۰سالگی روابط دیپلماتیک دو کشور است، همه مردم ایران و تایلند را دعوت می‌کنم تا از این فرصت تاریخی برای تعمیق پیوندهای دوستانه و آشنایی بیشتر بهره‌مند شوند.

فعالیت‌های مختلفی در دو کشور برای بزرگداشت این مناسبت و گسترش روابط مردمی برنامه‌ریزی شده است. من و همکارانم در سفارت تایلند در تهران آمادگی کامل داریم تا این تعاملات را تسهیل کرده و با دولت، بخش خصوصی و رسانه‌های ایران همکاری کنیم تا بیشترین بهره را از این فرصت ببریم. بنیاید از ظرفیت‌های متنوع ارتباط میان مردم دو کشور استفاده کنیم و آینده‌ای پایدار و ثمربخش را رقم بزنیم.



دون مونورا، بازار شانوار در بنگ کوتی، ساموت سونگرم

گفت‌وگو با سفیر پادشاهی تایلند در جمهوری اسلامی ایران درباره صنعت گردشگری دو کشور

نگاهی به گردشگری در تایلند

طی سالیان متمادی، تایلند به یکی از مقاصد محبوب گردشگری برای ایرانیان تبدیل شده است. جاذبه‌های متنوع طبیعی، فرهنگی و گردشگری این کشور در کنار روابط دیرینه و دوستانه میان ایران و تایلند که پیشینه‌ای چهارصد ساله دارد، از جمله دلایل اصلی استقبال گرم ایرانیان از این مقصد گردشگری به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت صنعت گردشگری در فرهنگ و اقتصاد تایلند، با جناب آقای «پیچیت بونسود»، سفیر پادشاهی تایلند در تهران که نقش برجسته‌ای در تقویت پیوندهای دوستانه موجود میان دو کشور ایفا کرده‌اند، گفت‌وگویی انجام دادیم. گفت‌وگو را با پرسشی درباره آمار گردشگران ایرانی در تایلند و بالعکس آغاز کردیم. ایشان پاسخ دادند:

«براساس آمار وزارت گردشگری و ورزش تایلند، در سال ۲۰۲۴ تعداد ۶۴،۹۶۲ گردشگر ایرانی به تایلند سفر کردند. این رقم نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۵۱،۵۷۶ نفر بود، بیش از ۲۵ درصد افزایش داشته است. پیش از همه‌گیری کرونا، سالانه بیش از ۱۰۰ هزار ایرانی از تایلند بازدید می‌کردند. سفارت تایلند در تلاش است تا این آمار را به سطح پیش از پاندمی بازگرداند و خوشبختانه دوستان ایرانی ما همچنان تایلند را به‌عنوان محبوب‌ترین مقصد گردشگری خود در جنوب شرق آسیا انتخاب می‌کنند. درخصوص تعداد گردشگران تایلندی که به ایران سفر کرده‌اند، متأسفانه آمار دقیقی



روستای مانه کاپوئک، جایگ مای؛ جایی که گردشگران می‌توانند تجربه‌های فرهنگی اصیل روستای شمال تایلند را کشف کنند.